

عروسك چشم آبي سارا

نویسنده: روح الله غیاثی

سرشناسه : غیائی، روح الله، ۱۳۶۰.
 عنوان و نام پدید آور : عروسک چشم آبی سارا / نویسنده روح الله غیائی.
 مشخصات نشر: قم : بیان الحق، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
 شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۳-۱۳-۲۸۵۱-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴.
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۶ ع ۴ ۳۶۲ ی / PIR ۸۱۵۲
 رده بندی دیویی : ۶۲ / ۱ فا
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۵۴۴۸۴



نام کتاب : عروسک چشم آبی سارا
 تألیف : روح الله غیائی
 ناشر : مؤسسه انتشاراتی بیان الحق
 چاپخانه : نگارش
 نوبت چاپ : اول ۸۶
 شمارگان : ۵۰۰۰ جلد
 قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال
 شابک : ۳-۱۳-۲۸۵۱-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: قم - خیابان ارم - انتهای کوچه ۱۶ سمت راست - فرعی سوم سمت

چاپ پلاک ۴۲۶

تلفن: ۷۷۴۵۹۵۷-دورنگار: ۷۷۴۵۹۵۸-همراه: ۵۵۱۶۲۳۷-۹۱۲

فهرست

۹	حرف نویسنده
۱۱	شب ستاره‌ها در پائیز
۱۲	تولد
۱۵	ملاقات کودکی
۱۷	اسم من
۱۸	بابا در خانه نبود
۲۱	قصه بابا
۲۲	دست و پا زدن
۲۵	مار در راه بود
۲۷	راه رفتم
۲۹	زبان حرف می‌زد
۳۱	دویدم به کوچه
۳۲	از کوچه گذشتم
۳۵	دلنگ کوچه
۳۷	راز خانه بزرگ
۳۹	عروسک چشم آبی را بده

- ۴۱..... آشي
- ۴۳..... خواب سارا
- ۴۵..... تعبير خواب
- ۴۷..... دعوي سارا
- ۴۹..... دعوي من و علي
- ۵۱..... اسارت مول
- ۵۳..... رهايي
- ۵۵..... لرزه زمين
- ۵۷..... روزگار گذشته
- ۵۹..... ملاقاتي
- ۶۱..... ياد عروسك چشم آبي سارا
- ۶۳..... گريه كودكي
- ۶۵..... قصه كودكي
- ۶۷..... سراغ گرفتيم همه را
- ۶۹..... پير مرد آشنا
- ۷۱..... سراغ علي و سارا
- ۷۳..... خانه كوچك ما
- ۷۵..... جستجوي سارا
- ۷۷..... كتاب دروا
- ۷۹..... چشم تولد زللكي



حرف نویسنده

هر لحظه قلم بر کاغذ نوشتار می‌کند، در هستی هر کس، بر سخره سفید کاغذی یادگار می‌گذارد. در گذر زمان مرادمانی داستانها می‌نویسند.

داستان کودکی همیشه غریب بوده است و عشق خجالت را از قصه‌های لیلی و مجنون، شیرین و مه‌هاد و مفت‌خان رستم تعریف کرده‌اند.

در سرزمین پهناور ایران، کودکی را با عشق پاک و دوستی و جوانی را دوران حسن کردن و باور داشتن در انتخاب می‌دانند. اما بیاید حقیقت چیز دیگر باشد. نگاه کودکی، صادقانه و از دل کودکی است. و هرگز رهگذری در آن قدم نرود. است نگاهش زلال است، زبانش به واقعیت حرف می‌زند و دوست داشتن را از مزومه می‌کند. کودکان در شیر خوردن حسن زنده بودن و ادامه حیات را به خلاق می‌آموزند. مثل گنجشکی که در لانه جیک جیک می‌کند و گرسنگی و تشنگی را فریاد می‌زند. تشنگی و گرسنگی در کودکی یک

صداقت است، حتی دوست داشتن.

خنده کودکان و گریه‌هایشان صادقانه است، مثل باران، صاف و زلال و لطیف.

باید باور کنیم، حس کردن کودکی را. اگر حس باشد، همه از زندگی لذت خواهیم برد، چرا که حس کردن، یعنی کودکی، یعنی نفس زدن، یعنی قدم زدن در کوچه زندگی یعنی بیداری، واقعیت و نه خواب، نه رؤیا.

حس، یعنی با نه بهانه، یعنی تجربه و یا باریدن باران بر زمین خشک.

حس، یعنی تولد یک نوزاد، یعنی درخت سیب و گیلان.

حس، یعنی امید به فردا. لذت از بوئیدن خاک. بوسه کودک بر دستان مادر.

حس یعنی صدای موج دریا، آب و پیوستن به رکوع و سجود. شکوفه بهار طبیعت در برابر عظمت خدا. یعنی تولد یعنی دل‌تنگی. انتظار دیدار دوست. حس، یعنی قصه من و عروسک چشم‌آبی سارا.

